

دکتر مارو ویلسون، پیامبران، جلسه ۱۸، جوئل، قسمت ۲

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه ۱۸، جوئل، بخش ۲ است.

مراسم سدر در ۶ آوریل برگزار می‌شود. ما باید زودتر جا رزرو کنیم. موسیقی زیادی خواهد بود.

اگر دوست دارید در جشن وقایع کتاب مقدس برقصید، فکر می‌کنم ماجرای خروج ارزش رقصیدن را دارد. به نظر می‌رسد میریام و دوستانش هم همین فکر را می‌کنند. بنابراین، تعجب نمی‌کنم.

بسیار خوب، لطفاً با یک دعا شروع کنیم. این روزی است که تو ساخته‌ای و ما از تو سپاسگزاریم که امروز را به ما داده‌ای. هر روز، حتی در جوانی، یک هدیه است.

به ما کمک کن تا سخنان کوهلت را به یاد آوریم، که روزهای محدودیت جسمی به سرعت ما را فرا گرفت. و بنابراین، ما باید خالق خود را در روزهای جوانی خود به یاد آوریم و از تو بترسیم، که به معنای همیشه مطیع تو بودن، همیشه مطیع تو بودن و همیشه به تمام زندگی از دیدگاه تو نگریستن است. ما از تو به خاطر هیبت خدا که دوستان هشل آنقدر مکرر در مورد آن صحبت می‌کند، سپاسگزاریم، به طوری که ما هر روز در حیرت عمیقی، در هیبت خدای اسرائیل که در اطراف ماست و در واقع در شخص خداوند ما عیسی مسیح به سوی ما آمده است، می‌ایستیم.

و برای این، خود را وقف این نیمسال آخر جدید می‌کنیم که تو به ما قدرت خواهی داد تا هر آنچه را که از ما می‌خواهی انجام دهیم، به انجام رسانیم. ما این را از طریق مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.

کاری که امروز می‌خواهم انجام دهم، تکمیل مطالعه‌مان در مورد یوئیل است. ما در مورد این پیامبر کوچک صحبت می‌کردیم که تأکید زیادی بر ورود ملخ‌ها برای نابودی سرزمین دارد. و به نظر می‌رسد که در فصل اول، او در مورد وقوع یک آفت ملخ واقعی صحبت می‌کند.

آیا چنین چیزی در روزگار شما اتفاق افتاده است؟ آن را برای فرزندان و دیگران تعریف کنید. قومی قدرتمند و بی‌شمار به سرزمین من حمله کرده‌اند. یعنی این لشکر ملخ واقعاً آمده است.

و بنابراین او در آیه ۱۰ می‌گوید، مزارع ویران شده‌اند، زمین خشک شده است، شراب، روغن، غلات ناپدید شده‌اند، سه‌گانه کشاورزی ما. بنابراین، اصطلاح کلیدی الهیاتی در این کتاب یوم یهوه، روز خداوند است. و ما گفتیم که روز خداوند معانی مختلفی دارد.

در باب اول، به وضوح به نظر می‌رسد که به مداخله خداوند در تاریخ از طریق یک فاجعه طبیعی، از طریق آفت ملخ اشاره دارد. ۱:۱۵، که اولین مورد از آن است. افسوس، برای آن روز، زیرا روز خداوند نزدیک ... است.

این مانند ویرانی از جانب قادر مطلق آمده است. غذا در مقابل چشمان ما قطع شده است، بذر پژمرده شده است، انبارها و انبارهای غله در حال از بین رفتن هستند، گاوها ناله می‌کنند و به این سو و آن سو می‌روند. مرتعی وجود ندارد و غیره. بنابراین، توصیف فصل اول بزرگتر از واقعیت وقوع یک آفت ملخ به نظر می‌رسد.

عبارت «یوم یهوه» در کتاب مقدس استفاده شده است. معمولاً در کتاب مقدس عبری، در نوشته‌های پیامبران یافت می‌شود. در کتاب عاموس، در کتاب عوبدیا، در کتاب صفنیا، در کتاب زکریا و ملاکی نیز آمده است.

اما یوئیل پیامبری است که بیشترین تمرکز را بر این موضوع دارد. این مهمترین سهم الهیاتی اوست که به تصویر الهیاتی بزرگ کتاب مقدس می‌پردازد.

تصویر کلی کتاب مقدس این است که، علام هزا، این عصر، ناقص است، ناعادلانه است، گناه و بی‌عدالتی و شر زیادی در جهان وجود دارد. و انواع ملت‌ها وجود دارند که از خدای اسرائیل و آموزه‌های او سرپیچی می‌کنند. و خدا به قوم خود و زندگی خودشان اهمیت می‌دهد.

بنابراین، روز خداوند چیزی نیست که منحصرأ برای آن شخص دیگر محفوظ باشد. ما دیدیم که عاموس از این اصطلاح در فصل ۵ استفاده می‌کند. به یاد داشته باشید، این شما مردم شمال هستید که فکر می‌کنید قوم عهد هستید و از آشور در امان خواهید بود. و عاموس می‌گوید، نه، مثل این است که مردی از شیر فرار کند و خرسی با او روبرو شود.

به سوی شما می‌آید. داوری، گویی با عهد و پیمان قوم، از خانه خدا آغاز می‌شود. پس فکر نکنید که روز خداوند، داوری خدا در تاریخ برای شر است.

شما باید زندگی خودتان را پاکسازی کنید. اما البته داوری نیز برای ملت‌ها وجود دارد. پس، کلمه، مداخله خدا در تاریخ برای اجرای داوری است.

و تمام این روزهای کوچک خداوند که در کتاب مقدس عبری داریم، این زمان‌هایی که خداوند به ارتش‌ها اجازه می‌دهد در سال ۵۸۶ به اورشلیم حمله کنند و اسرائیل را به اسارت ببرند، آن روز خداوند است. آن زمانی است که خداوند، همانطور که ارمیا و دیگر پیامبران توصیف کرده‌اند، داوری را بر شر و به ویژه گناه بت‌پرستی اسرائیل نازل کرد. اما مداخله خداوند در تاریخ، بالای ملخ، حملات ارتش‌ها و غیره، همگی از بسیاری جهات، پیشگامان و منادیان روز بزرگ خداوند هستند.

به عبارت دیگر، یک دیدار نهایی آخرالزمانی از جانب خدا برای داوری شر و همچنین، همانطور که در پایان، یوئیل خواهیم دید، تصویر کلی، برای تیره قوم خدا وجود دارد. از نظر تاریخی، آنها مورد حمله، تمسخر و غلبه دشمنان قرار گرفتند، اما در نهایت، خدایی که بنی اسرائیل را به صورت دسته جمعی در سینا فراخواند، قراردادی، یک قرارداد دائمی، به آنها داد. همانطور که دوم سموئیل نشان می‌دهد، قوم خدا تا ابد ادامه خواهند یافت.

عهد خدا با ابراهیم، به تعبیر کتاب پیدایش، یک عهد ابدی بود. بنابراین، تصویر، حداقل در مورد پیامبران این است که خدا این اثبات حقانیت را با نابودی ملت‌های اطراف اسرائیل کامل می‌کند. و این موضوع فصل آخر کتاب یوئیل است، جایی که داوری ملت‌ها موضوع اصلی است.

حال، در میان این دو کاربرد، کاربرد فوری، که در حال وقوع است، یک آفت ملخ وجود دارد، و این روز خداوند است، و آن روز بزرگ، نهایی و پایانی خداوند، که به نظر می‌رسد با ظهور مسیح، که این عصر مسیحایی را آغاز می‌کند، و سپس بر روی این زمین، آن عصر، با سرنگونی نهایی شر بر روی این زمین به اوج خود می‌رسد، گره خورده است. در میان این دو حد نهایی، این بخش از ریزش روح را داریم که با کاربرد دیگری از روز خداوند نیز گره خورده است. بنابراین، روز خداوند زمانی است که یهوه به طور فعال در تاریخ مداخله می‌کند.

و من فکر می‌کنم وقتی او به دومین روز خداوند خود می‌رسد، که در فصل ۲ است، فصل ۱ این آفت ملخ در جریان است، این روز خداوند است، و سپس در ۲:۱ می‌گوید، روز خداوند در راه است. توصیف در فصل ۲ بیشتر شبیه تهاجم ارتش‌های خارجی به نظر می‌رسد که می‌توانند به طور بالقوه وارد سرزمین شوند، اما او از ملخ به عنوان راهی برای توصیف حمله بالقوه به سرزمین استفاده می‌کند. بنابراین، ملخ‌ها مانند یک ارتش، قدرتمند هستند، ۲:۵. آنها مانند جنگجویان هستند وقتی حمله می‌کنند؛ مانند سربازان، از دیوار بالا می‌روند و خداوند صدای خود را در مقابل ارتش خود بلند می‌کند ۲:۷.

بنابراین، بله، لشکری از ملخ‌ها وجود دارد. با این حال، به نظر می‌رسد که این ملخ‌ها، همانطور که می‌گویند، منادی یا نشانه‌ای از نابودی احتمالی پادشاهی جنوبی هستند، زیرا ما با سه پیامبر پادشاهی شمالی، هوشع، عاموس و یونس، سر و کار داشته‌ایم.

به نظر می‌رسد یوئیل بر پادشاهی جنوبی متمرکز است، زیرا با توجه به اشاراتی که در این کتاب داریم، هیچ پیشینه تاریخی وجود ندارد که او را به پادشاهان خاصی مرتبط کند، در حالی که در مورد سه پیامبر دیگری که به آنها اشاره کردم، چنین بود. اما در اینجا او در مورد نواختن شیپور در صهیون، در آیه ۱:۲ صحبت می‌کند. در کوه مقدس من، زنگ خطر را به صدا درآورید. و بنابراین، به نظر می‌رسد که اکنون تأکید به وضوح به پایتخت معنوی، مرکز معنوی سرزمین تغییر می‌کند.

چه چیز دیگری آنجا در جریان است؟ خب، او در آیه ۱۵:۲ می‌گوید، در صهیون شیپور بنوازید، جماعت را تقدیس کنید، مردم را جمع کنید، و به نظر می‌رسد تأکید اینجا با شهر مقدس اورشلیم مرتبط است، که سپس از آیه ۱۲:۲ به توبه فراخوانده می‌شوند. و همانطور که در کتاب دعای عمومی اشاره کردم، دعوت به توبه، دل‌هایتان را چاک کنید، نه جامه‌هایتان را، از این متن می‌آید. و ایده ماهیت مشروط پیشگویی که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم، شما توبه می‌کنید، خدا پشیمان خواهد شد. هیچ کس نمی‌داند که فصل دوم چه چیزی را ممکن است پیش‌بینی کند.

آیا این حمله احتمالی سناخریب به پادشاهی جنوبی است که واقعاً در ۷:۰۱ آنطور که پیش‌بینی شده بود رخ نداد؟ آیا فصل دوم برای هرگونه نابودی احتمالی پادشاهی جنوبی مناسب است، که اگر مردم توبه کنند و به سوی خداوند روی آورند، خدا به نوبه خود مردم را نجات می‌دهد. و این البته همان چیزی است که در پایان فصل دوم می‌بینید. مردم توبه کردند و نتیجه پایان فصل دوم، توبه خدا است و این حمله رخ نمی‌دهد.

و به جای نابودی قوم، او در آیه ۲۰ می‌گوید، شمالی‌ها را از شما دور خواهد کرد. حال، وقتی کتاب مقدس را در انبیا می‌خوانید، حمله از شمال می‌آید. بنابراین، وقتی شمالی‌ها را دور می‌کنید، ارتش‌ها معمولاً از شمال می‌آیند. آنها از هلال حاصلخیز می‌آیند، و ارمیا نمونه‌ای از همین نوع است، جایی که حمله از شمال می‌آید.

و از آنجایی که بیشتر ارتش‌ها از آشور و بابل بودند، حمله از شمال صورت می‌گرفت. و این همان چیزی است که فصل آغازین ارمیا به آن اشاره می‌کند. اما در هر صورت، او هنوز در مورد این ملخ‌ها صحبت می‌کند که به دریای شرقی رانده می‌شوند، که همان دریای مرده، دریای غربی، دریای مدیترانه است.

و در نتیجه‌ی این ملخ‌ها، که احتمالاً برای توصیف لشکرها به کار رفته است، از شکست لشکرها و برکت نهایی زمین، آمدن باران، بازسازی زمین، خوردن، سیر شدن و برکت وعده داده شده‌ی خدا به سرزمین که پس از این توبه حاصل می‌شود، صحبت می‌کند. حالا لطفاً اجازه دهید به سوال شما پردازم. بله، بله، تعدادی روز به اصطلاح خداوند وجود دارد.

روز خداوند، مداخله قاطع خداوند در تاریخ است، جایی که حضور خداوند در تاریخ زمینی آشکار می‌شود. از آنجا که همه چیز در کتاب مقدس الهیاتی است، بنابراین بلاای طبیعی مانند آفت ملخ یا حمله ارتش‌ها مردم از خود می‌پرسیدند که چرا این چیزها؟ زیرا در دنیای باستان، به یاد داشته باشید، پاداش و مجازات در درجه اول در این زندگی بود. ما واقعاً باید به عهد جدید مراجعه کنیم تا واقعاً به درک بسیار بالغ‌تری نسبت به پاداش و مجازات در این زندگی برسیم، زیرا زندگی بعدی وجود دارد و افرادی هستند که از آن فرار می‌کنند.

و درک ساده‌انگارانه از اینکه چگونه هر اتفاقی در تاریخ می‌تواند با رفتار انسان توضیح داده شود. بنابراین این مجازاتی برای شرارت شماس است. به همین دلیل است که هر فاجعه ملی اتفاق می‌افتد.

خب، چیزهای زیادی در تاریخ هست که نمی‌توانیم توضیح دهیم. اینها سوالات بزرگ وجودی تئودیه هستند. وقتی به حبقوق رسیدیم، در مورد آنها صحبت خواهیم کرد.

وقتی نیکوکار رنج می‌کشد یا وقتی شرور فرار می‌کند و به نظر می‌رسد که موفق می‌شود، اینها سوالات پیچیده‌تر زندگی هستند. تا آنجا که به پیامبران اسرائیل مربوط می‌شود، آنها اغلب تفسیر می‌کردند، و می‌بینید که این چیزی است که تاریخ کتاب مقدس را مشخص می‌کند. این چیزی بیش از ثبت وقایع است؛ این وقایع به علاوه تفسیر است.

همانطور که متکلمان آلمانی می‌گویند، «تات» وجود داشت، که در آلمانی به معنای رویداد است، و «ورت»، آن کلمه‌ای که آنچه را که اتفاق می‌افتاد توضیح می‌داد. و به همین دلیل است که تاریخ مقدس کاملاً با مثلاً تاریخ مصر متفاوت بود، جایی که شاید شما فقط تمام وقایعی را که فرعون را بزرگ جلوه می‌داد فهرست می‌کردید، تمام پیروزی‌های او را ثبت می‌کردید و از تمام شکست‌های او اجتناب می‌کردید. تاریخ کتاب مقدس آموزش می‌داد زیرا یک مؤلفه اخلاقی وجود داشت.

وقتی ناتان نبی به دربار داوود آمد و گفت: «آتا حایش، تو آن مرد هستی. او آنجاست تا چیزها را توضیح دهد، تفسیر کند.» و داوود، چون شخصیت اخلاقی داشت، کار اشتباهی کرده بود، اما توبه کرد.

بنابراین، تاریخ فقط برای این نیست که مردم خودشان آن را بفهمند. شما می‌توانید انجیل‌ها را بخوانید، و ممکن است در سال ۲۹ میلادی در بهار مردی که بر فراز تپه‌ای در اورشلیم می‌میرد، ثبت شده باشد. اما تفسیر الهیاتی آنچه در انجیل‌ها دارید، در رساله‌ها یافت می‌شود.

مسیح برای گناهان ما مرد. او جای ما را گرفت. این تفسیر الهیاتی شماس است، حداقل تا حدی، از مرگ یکی از یهودیان بسیار زیادی که در قرن اول توسط رومیان کشته شدند.

اما این مرگ خاص معنای خاصی داشت. حال، این بازگشت وجود دارد و به دلیل توبه، خداوند برکت را به ارمغان می‌آورد. و این الگو در کتاب مقدس وجود دارد.

البته، شما آن را در آخرین کتاب عهد عتیق، آخرین کتاب از کتاب مقدس عبری می‌بینید. و فکر می‌کنم با آن کلمات آشنا هستید. دوم تواریخ ۷:۱۴، من فقط آن قسمت را می‌خوانم.

اگر قوم من که به نام من خوانده می‌شوند، خود را فروتن کنند و دعا کنند و روی مرا بچوبند و از راه‌های پلید خود بازگردند، آنگاه من از آسمان شفا خواهم داد، گناهانشان را خواهم بخشید و سرزمینشان را شفا خواهم داد. و این ایده از طریق توبه، از طریق دعا، تجدید و احیا حاصل می‌شود. این عبارت خاص که من نقل می‌کنم، با وقف معبد شلومو در اورشلیم، بزرگترین قربانی واحد در تاریخ کتاب مقدس، هزاران هزار گوسفند و گاو نر در دو هفته مرتبط است.

و بنابراین خداوند به سلیمان اطمینان می‌دهد که برکات معنوی برای کسانی است که واقعاً خدا را می‌جویند و با قلبی فروتن در پیشگاه او گام برمی‌دارند. حال، برگردیم به یوئیل و این کاربرد روز خداوند که در ۲:۲۸ تا پایان باب ۲ یافت می‌شود. این چهارمین کاربرد روز خداوند است. و او پس از آن می‌گوید، این نوعی مقدمه در اینجا است و پس از آن اتفاق خواهد افتاد.

یعنی در روزهای آخر. روزهای آخر چه زمانی آغاز شدند؟ آنها با اولین آمدن عیسی آغاز شدند. ما این را از اعمال رسولان فصل ۲ می‌دانیم. پطرس برمی‌خیزد، این متن و این رویداد آمدن روح‌القدس و تولد قابل مشاهده کلیسا را در میان ۳۰۰۰ ایماندار یهودی تعمیم یافته، که به عنوان مردان اسرائیل در اورشلیم توصیف شده‌اند، در نظر می‌گیرد.

این اولین کلیسا را تشکیل می‌داد. اینها افرادی بودند که در آن زمان بخشی از مراسم افتتاحیه بودند. اگر زمانی گیر کردید و کسی گفت، موعظه‌ای ایراد کنید یا جلسه مطالعه کتاب مقدس برگزار کنید، به جای اینکه بگویید، من آماده نیستم، فقط سه فعل را به خاطر بسپارید، و پیام خود را برای خودتان آماده کرده‌اید.

مسیح بالا رفت، روح‌القدس پایین آمد، و کلیسا به پایان رسید. پیام شما همین‌جاست. و می‌توانید به زیبایی در مورد آن صحبت کنید.

مسیح عروج کرد، ما رستاخیز و عروج داریم. روح‌القدس نازل می‌شود، و حواریون می‌روند، و عصر مسیحایی آغاز می‌شود. افتتاح می‌شود.

حال به خاطر داشته باشید، از دیدگاه عهد عتیق، پیامبر عهد عتیق اینجا حضور دارد. او تمایزی را که ما بین اینها قائل می‌شویم، قائل نمی‌شود، کل این عصر کلیسا بین مرحله اول و مرحله دوم روز خداوند قرار دارد. روز خداوند در عهد عتیق برای مداخله خداوند در تاریخ استفاده می‌شود.

اما از نویسندگان عهد عتیق، ما نمی‌بینیم که آنها این را به دقت به دو بخش، ظهور اول و ظهور دوم همانطور که امروز می‌شناسیم، تقسیم کنند. این فقط عصر مسیحایی است. اکنون، وقتی ما عید فصح را با دوستان یهودی خود جشن می‌گیریم، یادآوری این نکته برای ماست که مرحله دوم هنوز اتفاق نیفتاده است.

آزادی وجود دارد، و رهایی‌ای وجود دارد که ما آن را جشن می‌گیریم، رهایی‌ای که تقریباً ۳۵۰۰ سال پیش برای اسرائیل اتفاق افتاد. و مطمئناً، از نظر معنوی، وقتی رستگاری شخصی و فردی از گناه را درک می‌کنیم، وارد آن می‌شویم. آغاز کتاب مکاشفه چه می‌گوید؟ او که ما را آزاد کرده یا رها ساخته است، اگر یونانی مقدماتی را خوانده باشید، لوئو را می‌شناسید، آن فعل الگویی کوچک و زیبا، کوتاه و مختصر.

او ما را از گناهانمان آزاد کرده است. این همان راه معنوی است که عصر مسیحایی از طریق آن آغاز شده است. و ما در عصر روح‌القدس، اعمال روح‌القدس، زندگی می‌کنیم.

روح‌القدس در درون ما زندگی می‌کند. اما او هنوز تمام آشغال‌های زندگی تو، زندگی من یا زندگی کلیسا را آزاد نکرده است. ما مردمی هستیم که در حال پیشرفت هستیم.

و آن پیشرفت، که کتاب‌های سنگین الهیات سیستماتیک از آن به عنوان کار ریاضت و زنده‌سازی، یعنی از بین بردن تدریجی انسان کهنه و تمام تمایلات و گرایش‌های گناه‌آلود آن، و زنده‌سازی، یعنی زنده کردن آن شخص جدید در مسیح که خدا در درون ما شکل می‌دهد، یاد می‌کنند، همانطور که ما روز به روز در تصویر

مسیح تجدید می‌شویم. چگونه؟ از طریق قدرت روح القدس، همانطور که با آن همکاری می‌کنیم. به عبارت دیگر، این یک کار تدریجی است و هرگز به کمال کامل نمی‌رسد تا مرحله دوم یوم پهوه، زمانی که خدا مداخله می‌کند و در آن مداخله نهایی، کاری را که آغاز کرده بود، تکمیل می‌کند.

حالا برگردیم به ۲:۲۸ از یوئیل. بنابراین، پس از آن، روح القدس در روز آمدن اولیه خداوند ما آغاز می‌شود و همانطور که کلمات آغازین کتاب عبرانیان نشان می‌دهد، خدا در این روزهای آخر از طریق پسرش با ما سخن گفته است.

بنابراین، روزهای آخر، به وضوح طبق تعریف عهد جدید، با اولین آمدن عیسی آغاز شد. از دیدگاه عهد جدید، روزهای آخر با بازگشت عیسی به اوج خود می‌رسد. حال اجازه دهید این موضوع را مرور کنیم تا روشن شود.

از دیدگاه عهد عتیق، روز خداوند، وقتی که روز خداوند در آینده باشد، مانند آنچه در یوئیل ۲:۲۸ داریم به سادگی به عصر مسیحایی، مداخله خدا در تاریخ از طریق مسیح خود اشاره دارد. چه مرحله اول و چه مرحله دوم. وقتی خود عهد جدید از روز خداوند استفاده می‌کند، همیشه به آمدن دوم مسیح اشاره دارد زیرا بدیهی است که آمدن اول قبلاً اتفاق افتاده است.

بنابراین، وقتی پولس به تسالونیکیان می‌گوید، روز خداوند مانند دزد در شب خواهد آمد، در آنجا به دارند parousia بازگشت مسیح، به دومین آمدن مسیح اشاره می‌کند. نویسندگان عهد جدید سه کلمه برای، که به معنای واقعی کلمه به معنای ورود است، آمدن در کنار آخرالزمان، که به معنای وحی، آشکار شدن تجلی، تجلی یا ظهور مسیح است. و بنابراین تأکید بر دومین آمدن، نحوه استفاده نویسندگان عهد جدید از این کلمه، یعنی روز خداوند، است.

این دقیقاً همان معنای کمال عصر مسیحایی، یعنی دومین ظهور خود مسیح را دارد. حال، فکر می‌کنم وقتی عبارت انتهای یوئیل ۲ را می‌خوانید، در واقع به هر دو ظهور اول و دوم مسیح اشاره دارید. تجلی به معنای واقعی کلمه، مانند آنتیوخوس اپیفانس، آنتیوخوس آشکار است.

حال، همانطور که در پایان فصل ۲ یوئیل گفتیم، این قسمتی که شیمون به آن می‌چسبد و بلند می‌شود و عصر روح و ۳۰۰۰ نفر اول تعمید یافته در کلیسا را اعلام می‌کند، پس از آن، روح خود را بر همه مردم خواهیم ریخت. و بنابراین، به نظر می‌رسد که این بعد از آن در اینجا به عصر مسیحایی اشاره دارد. و همه این افراد چه کسانی هستند؟ اولین تحقق این روز آینده خداوند در شاووعوت، همانطور که از عهد جدید می‌شناسیم، عید هفته‌ها، که بعداً با نام یونانی خود پنطیکاست نامیده شد.

بنابراین، یوئیل پیامبر پنطیکاست است، همانطور که گاهی اوقات مردم او را اینگونه خطاب می‌کنند. حال وقتی زبان اینجا از زمانی صحبت می‌کند که خدا قرار است این عصر روح را آغاز کند، عصری که در آن، تعداد کمی از برگزیدگان روح را تجربه می‌کنند، اما بدون روح نمی‌توانید از آن او باشید؟ شما بدون روح، هیچ‌یک از او نیستید.

لحظه‌ای که به مسیح ایمان می‌آورید، شما مرد یا زن روح هستید. روح، مستأجری می‌شود که نمی‌توان او را بیرون کرد و در قلب مؤمن ساکن می‌شود. یا همانطور که اول یوحنا می‌گوید، همه ما مسح شده خدا هستیم و این کار روح است.

حال، اینکه آیا روح القدس وقتی می‌آید و در ما زندگی می‌کند، همه ما را در بر می‌گیرد یا نه، سوال دیگری است. اما ما در عصر روح القدس زندگی می‌کنیم، و به جای آن کریستوس، آن مسح، یا ماشیح، آن روغنی

که معمولاً می‌توانست بر پادشاهان یا افراد دیگر ریخته شود تا آنها را علناً برای عملکردی در عهد عتیق به عنوان نماینده خدا، برای انجام یک کار خاص، جدا کند، شاهد شموئیل هستیم که شاخ روغن خود را می‌گیرد و آن را بر داوود می‌ریزد. او یک مسح شده شد.

و حتی شائول نیز در حضور آنها مسح شده است. یکی از نکات جالبی که لوح‌های ابلا، که در شمال اسرائیل در سواحل سوریه کشف شده‌اند، به ما می‌گویند این است که صدها و صدها سال قبل از این دوره پادشاهی اسرائیل، که با شائول، داوود، سلیمان و غیره شروع می‌شود و سپس پادشاهی تقسیم شده، وجود داشته است. صدها سال قبل از آن، از روغن برای مسح پادشاهان استفاده می‌شد.

بنابراین، همه مردم قادر خواهند بود در این حیات روح شرکت کنند. در اینجا هیچ تمایزی بین زن و مرد و هیچ تمایزی بین سن وجود ندارد.

پیر و جوان فرقی نمی‌کند. فرقی بین مقام و موقعیت وجود ندارد. خدا قرار است کاری انجام دهد که به وضوح با آنچه در پیدایش ۱۲ به پدر ابراهیم گفته است، مطابقت دارد.

از طریق شما، همه ملت‌های زمین برکت خواهند یافت. و بنابراین، لئز همچنان بزرگتر می‌شود. این عهد از نظر پیامدهای برکت خداوند از طریق خانواده عهد او به جهان، گسترش می‌یابد.

بنابراین، او روح خود را خواهد ریخت. به نظر می‌رسد وقایعی که در ادامه می‌آیند، احتمالاً در پنطیکاست به وقوع نپیوسته‌اند، اگرچه برخی اینگونه استدلال می‌کنند، اما به نظر می‌رسد که با مرحله دوم، آمدن دوم تکمیل یوم یهوه، مرتبط هستند. زیرا آنچه ما در اینجا با آن سر و کار داریم، زبانی است که در آسمان‌ها اتفاق می‌افتد، نشانه‌های کیهانی.

خورشید به تاریکی خواهد گرایید. و در حالی که زبان بسیار شاعرانه است، او درباره شگفتی‌ها در آسمان‌ها و زمین، خون، آتش و توده‌های دود صحبت می‌کند. به نظر می‌رسد که در اینجا، البته، توهم آمدن خداست.

این روز خداوند است. آتش ما را به سوی پدر ابراهیم می‌برد. و مشعلی که از میان حیواناتی که بریده شده‌اند عبور می‌کند.

آتش ما را به بوت‌ه سوزان و به سینا می‌برد. این نمادی از حضور خداست. و در روز پنطیکاست چه دارید؟ مانند زبانه‌های آتش، پژواک آن بازی‌گردد.

و موج‌های دود. دود سینا مانند دود یک کوره، یک کوره، بالا می‌رود. بنابراین، فکر می‌کنم اشاره اینجا به یک نمایش دراماتیک است.

همانطور که سینا می‌گوید، خداوند بر سینا نازل می‌شود. و بدیهی است، همانطور که در کتاب پدرمان، ابراهیم نوشته‌ام، به همین دلیل است که مردان همیشه به نزد داماد آسمانی می‌آیند و با عروس او، اسرائیل، وارد یک رابطه پیمانی می‌شوند. و بنابراین، موسی پس از نزول خداوند بر سینا، برای ملاقات با او بالا می‌رود.

و ما هر عروسی یهودی داریم، و به طور کلی هر عروسی مسیحی، بازسازی سینا در مقیاس کوچک است، یک کپی از سینا. برای اینکه یک عروسی یهودی اصیل باشد، باید شمع داشته باشید، باید آتش داشته باشید. و اگر فیلم ویولن‌زن روی بام را دیده باشید، می‌دانید که همه در عروسی با شمع در دست حاضر می‌شوند.

اگر انجیل متی را خوانده باشید، ده باکره را می‌شناسید که با تیرک‌هایی، احتمالاً با پارچه‌های آغشته به روغن در انتظار داماد ایستاده‌اند. باز هم، تصویرسازی در اینجا عمیقاً یهودی است و از ورود خداوند سخن می‌گوید، کسی که به عنوان دامادی آسمانی می‌آید تا با عروس پیمان ببندد. اکنون، او بازمی‌گردد تا رابطه‌ای مبتنی بر عهد و پیمان را که پیش از این آغاز کرده بود، به اوج برساند.

جالب است، حتی وقتی در عروسی‌های یهودی از کیدوشیم و نیسوئیم صحبت می‌شود. کیدوشیم به معنای برقراری رابطه از نظر قانونی است، اما نیسوئیم به معنای به کمال رسیدن رابطه است، جایی که در واقع ارتقاء فیزیکی وجود دارد که همان نیسوئیم است. در اسرائیل مدرن، اگر می‌خواهید بگویید که ازدواج کرده‌اید، باید بگویید «ناسو» که از همان کلمه می‌آید.

به معنای واقعی کلمه، من بالا کشیده شده‌ام. من متولد شده‌ام. البته، در یک عروسی یهودی، مردم را در اطراف رژه می‌برند، روی شانه‌ها بلند می‌کنند و غیره.

اما این به اوج رویداد و اوج واقعی، یعنی به کمال رسیدن چیزی که در دنیای مدرن، گاهی اوقات از هم جدا می‌شویم و درباره نامزدی و ازدواج صحبت می‌کنیم، اشاره دارد. بنابراین، حضور خدا در اینجا و پژواک‌های آن ما را به سینا، مراسم بزرگ، بازمی‌گرداند. ما نشانه‌هایی را در آسمان‌ها می‌بینیم.

خورشید به تاریکی گرایید، ماه به خون سرخ و وهم‌آوری تبدیل شد. این ما را به نوعی به گفتمان معروف عیسی در زیتون، مرقس ۱۳، لوقا ۲۱، متی ۲۴ می‌برد. و عیسی در مورد نشانه‌های پایان عصر چه می‌گوید؟ او در مورد مرقس ۱۳:۲۴ صحبت می‌کند.

در آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد، ماه نور خود را نخواهد داد، ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و اجرام آسمانی متزلزل خواهند شد. در آن زمان، مردم پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابرها می‌آید. بنابراین، آخرالزمان و پایان عصر با این نوع زبان مرتبط است.

و همه اینها به زبان عیسی در مورد آمدن دوباره او مرتبط است. به همین دلیل است که من در اینجا، در این متن که به نزول روح القدس می‌پردازد، پیشنهاد می‌کنم که همه چیز در روز پنطیکاست در زمان پطرس به پایان نرسیده است. درست مانند زبان عیسی، وقتی او در مورد آمدن خود و آنچه که شامل آن می‌شود صحبت می‌کند، یوحنا در حال آماده کردن راه است.

و او می‌گوید که شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. چنگک غربالگر او در دست اوست و خرمن، را پاک می‌کند، گندم را در انبار جمع می‌کند و کاه را با آتش خاموش‌نشدنی می‌سوزاند. این کمال است. سوزاندن همه چیز با آتش.

و زبان اینطور نیست، اگرچه یوحنا می‌گوید این کسی که می‌آید قرار است چه کاری انجام دهد، اما به نظر می‌رسد که زبان، در این مورد خاص از چنگک غربال کردن، چنگک غربال کردن چیست؟ شما را به زمزمور ۱ می‌برد، جایی که کاه سبک‌تر به یک طرف رانده می‌شود و دانه‌های سنگین‌تر گندم به پای کسی که همه آن را به هوا پرتاب می‌کند، می‌افتند. جدایی خیر و شر. نسخه دیگری از این، متی ۲۵، شما، جدایی گوسفندان و بزها است.

جدایی خیر و شر. بنابراین، ما باید هنگام خواندن کتاب مقدس مراقب باشیم و متوجه باشیم که این بُعد، یعنی آغاز، کمال، آغاز اما نه پایان آنچه که این روز خداوند درباره آن است، از قبل وجود داشته است، اما هنوز وجود ندارد. و اینجا، احتمالاً در یوئیل ۲، آخرت‌شناسی و تاریخ، به نوعی قصد ماست.

آنچه او در پایان این روز خداوند، زمانی که خدا می‌آید، به آن هدایت می‌کند، روح خود را جاری می‌سازد اکنون ما در مورد تبرئه قوم خود صحبت می‌کنیم. در مطالعاتم در مورد یهودیت در طول سال‌ها، دریافته‌ام که یکی از جاهایی که کلیسا، به دلیل تکبر و غرور پیروزمندانهاش در طول تقریباً ۲۰۰۰ سال در مورد قوم یهود، کتاب مقدس عبری را نمی‌خواند

و از نظر هرمنوتیکی، فکر می‌کنم اینجا جایی است که کلیسا، به شکلی عمده، اشتباه کرد، جایی که مسیحیان معمولاً با عهد جدید شروع می‌کنند و سپس برمی‌گردند و نگاهی سریع به بخش‌های خاصی از عهد عتیق می‌اندازند که فکر می‌کنند ممکن است با دیدگاه عهد جدید آنها سازگار باشد. اگر با عهد عتیق شروع کنید متوجه می‌شوید که خدا چگونه فکر می‌کرده و چه چیزی را برای چندین هزار سال آموزش داده است، پس عهد جدید قرار نیست با آنچه خدا قبلاً گفته است، در تضاد باشد. یکی از مضامین بزرگی که اکثر مسیحیان درک نمی‌کنند، که یهودیان درک می‌کنند، این توجیه قوم خدا در پایان تاریخ است

تقریباً انگار که خب، ما الان کلیسا هستیم و خدا قرار است ما را تبرئه کند. آن یهودیان بیچاره خرابکاری کردند و بنابراین کار خدا برای همیشه با آنها تمام است. یکی از چیزهایی که در پیامبران خیلی خیلی قوی می‌خوانید این واقعیت است که این پیشگویی‌های نبوی، این پیام‌های نبوی، که به طور مشخص به نظر می‌رسد به این دنیا گره خورده‌اند، یا همانطور که جوزف کلاوسنر در کتابش درباره عیسی گفته است، یک محقق بزرگ یهودی این کتاب را در سال ۱۹۲۵ منتشر کرد، کلیسا متأسفانه ابعاد جغرافیایی و سیاسی و زمینی کتاب مقدس عبری را حذف کرده و بخش زیادی از این زبان را معنوی و تمثیلی کرده و آن را از این دنیا و این امید دنیوی دور کرده است

این مضمون دفاع از قوم زمینی خدا، اگر او آنها را به صورت فیزیکی در سینا فراخوانده باشد، آنگاه نتیجه‌ی آن، همانطور که پولس در رومیان 11: 25-27 می‌گوید، این است که نجات یا اجرای نهایی آن طرح نجات اسرائیل به نوعی به صورت جمعی و به شکلی تجمعی تجربه خواهد شد. بنابراین، آیه‌ی آخر در یونیل 2 در مورد هر کسی که نام خداوند را می‌خواند، به عبارت دیگر، نجات در این زمان از رستگاری نهایی اسرائیل صحبت می‌کند. عضویت در اسرائیل در اینجا، در نهایت، به وضوح معنوی است، نه به دلیل تولد

این هرگز صرفاً مسئله‌ی تولد نبوده است. به پیامبران گوش دهید، یک بازمانده‌ی صالح مهم بود. به پولس در غلاطیان گوش دهید

مانند ابراهیم زندگی کن. صرفاً ادعای داشتن یک اصل و نسب طبیعی و فیزیکی را نداشته باش. این کافی نیست

اما در اینجا، او در آیه ۲:۳۲ درباره نجات کسانی که نام یود-هه-وا-هه را می‌خوانند صحبت می‌کند. آنها نجات خواهند یافت. به عبارت دیگر، نجات توسط کسانی که واقعاً خدای اسرائیل را می‌پرستند و او را می‌شناسند، خواهد آمد

فصل آخر، داوری بر ملت‌ها و استقرار نهایی پادشاهی خدا بر روی زمین است. حتی محققانی مانند ان. تی. رایت در نشریات سال‌های اخیر به مسیحیان یادآوری می‌کنند که بهشت سرنوشت مسیحیان در زمان مرگ نیست. بلکه خدا، همانطور که انبیای اسرائیل در اشعیا ۶۵-۶۶ بیان کرده‌اند، در حال ساختن آسمان‌های جدید و زمین جدید است

و این زمین بازسازی شده بخشی از سرنوشت نهایی مؤمن است. و همانطور که از دیدگاه عهد عتیق به این موضوع نگاه می‌کنید، بازسازی، تجدید یهودا، اورشلیم، زبانی که در اینجا خداوند از اسرائیل دفاع می‌کند و در برابر همه ملت‌های زمین، خداوند با آنها وارد داوری می‌شود. و متوجه آن کلمه یهوشافاط می‌شوید

ما می‌گوییم یهوشافاط در حال پریدن. اما در اینجا یک مورد خوب وجود دارد که می‌بینید نام این پادشاه از دوران عهد عتیق اهمیت دارد. به معنای یهوه، داور

بنابراین، این فصل آخر کتاب یوئیل از داوری یهوه، صحنه‌ی این نبرد نهایی خدا علیه ملت‌ها صحبت می‌کند. ما نمی‌دانیم که این چه زمانی ممکن است باشد یا اینکه آیا ممکن است با آنچه کتاب مکاشفه به مادر همه نبردها، این نبرد آرماگدون، مرتبط می‌داند، هماهنگ باشد، نبردی که از گرد هم آمدن نیروهای شر و نیروهای خیر و سرانجام استقرار حکومت عادلانه‌ی خدا در جهان سخن می‌گوید. اما جالب است، تقریباً کسانی که قرن‌ها علیه قوم خدا، میراث خدا، قوم او، اسرائیل، یهودستیزی کرده‌اند

آیه ۲: قوم مرا در میان ملت‌ها پراکنده کردند. سرزمین مرا تقسیم نمودند. از قوم من قرعه انداختند و پسران را با فاحشه‌ها معامله کردند و دختران را با شراب فروختند

بنابراین، این یهوه، این خدا، علیه موضوع ملت داوری می‌کند. اینکه این اتفاق کجا رخ می‌دهد، به اندازه این مجازات برای ظلم بی‌رحمانه به قوم خدا اهمیت ندارد. یهودیان اغلب تاریخ خود را پیرامون انتخاب، پیمان، مأموریت و اثبات بی‌گناهی مطالعه می‌کنند.

آن کلمه آخر، یعنی اثبات بی‌گناهی، یادآوری این نکته است که ناامیدی و افسردگی کلماتی از فرهنگ لغت مسیحیان یا یهودیان نیستند. چرا؟ چون هم یهودیان و هم مسیحیان، دوباره به مضمون عید فصح می‌رسیم که یادآوری این نکته است که تاریخ هنوز با سلطنت کامل خدا کامل نشده است. یا همانطور که جان برایت دوست دارد بگوید، به همین دلیل است که مسیحیان به عهد عتیق نیاز دارند.

ما هنوز یک پیمان در سرزمین مادری‌مان است. ما در سرزمین مادری‌مان زندگی می‌کنیم. سلطنت و حکومت کامل خدا بر روی زمین هنوز به طور کامل برقرار نشده است.

ما به این «پیش از میلاد» بودن نیاز داریم تا یادآوری کنیم که هنوز نرسیده‌ایم، که رستگاری هنوز در انتظار ماست، به آن معنای نهایی و کاملاً زمینی کلمه، با بی‌عدالتی و عدالتی که همه ما به دنبال آن هستیم و برای آن دعا می‌کنیم، در همین زمین اتفاق می‌افتد. همانطور که یوئیل همه این ماجرا را به پایان می‌رساند، وقتی به فصل دوم اشعیا می‌رسیم، به آن زبان نگاه خواهیم کرد. او می‌گوید...: «گاواهن‌های خود را به شمشیر تبدیل کنید، و آزه‌های خود را به نیزه.» در اینجا، شما برعکس آنچه در آیات اولیه اشعیا فصل دوم آمده است را می‌بینید. بنابراین آنچه او در اینجا می‌گوید آماده شدن برای جنگ است، در حالی که اشعیا از روی دیگر سکه عصر مسیحایی صحبت می‌کند.

مسیح صلح می‌آورد. منظورم این است که این نهایت کار است. اما این جنبه‌ی یوئیل از قضیه، که می‌گوید من باید با ملت‌ها تسویه حساب کنم.

روز خداوند نزدیک است. این آخرین استفاده ما از روز خداوند است. و این چیزی است که ما آن را نهایت یا آخرین استفاده از روز خداوند در آیه 3:14 می‌نامیم. در دره تصمیم، خورشید و ماه تاریک خواهند شد و ستارگان دیگر نمی‌درخشند.

و اینجا، این عبارت دوباره ما را به چه چیزی می‌برد؟ پایان عصر، ظهور دوباره و نتیجه‌ی همه اینها چیست؟ برکت برای قوم خدا. آنها خواهند دانست که من خداوند هستم.

اورشلیم از شرارتش پاک خواهد شد. زبان شعرگونه و افراطی و اغراق‌آمیز است. کوه‌ها شراب تازه خواهند چکید.

تپه‌ها از شیر جاری خواهند شد. دره‌ها از آب جاری می‌شوند. و کتاب چگونه به پایان می‌رسد؟ همانطور که پیشگویی حزقیال به پایان می‌رسد.

خداوند در میان قوم خود حضور دارد. خداوند در صهیون ساکن است. بنابراین، آینده همه چیز سیاسی، دنیوی یا نظامی نیست.

پایان این [موضوع/موضوعات/...] بسیار معنوی است. اینگونه است که [موضوع/موضوعات] پیش می‌رود. به همین دلیل است که اسرائیل مدرن، اسرائیل کتاب مقدس نیست.

این قلب تازه و پالایش‌یافته‌ای نیست که خدا در نهایت در قوم خود قرار می‌دهد و به وضوح در میان آنها ساکن می‌شود. کارهای بسیار بیشتری وجود دارد که خدا هنوز با اسرائیل باستان خود و همچنین ما که در این ارتباط درخت زیتون که پولس در رومیان ۱۱ از آن صحبت می‌کند، به اسرائیل پیوسته‌ایم، انجام می‌دهد. اما کار نهایی، ساکن شدن خدا در میان است.

این باعث می‌شود صهیون، همان صهیونی باشد که خدای صهیون می‌خواهد. و این یک راه حل معنوی برای یک مشکل دیرینه خاورمیانه است که فقط با اسلحه و میزگردهای مذاکره صلح حل نخواهد شد، بلکه ارتباط زیادی با اذعان به اینکه چه کسی پادشاه صلح است، دارد. بسیار خوب، برای امروز همین کافی است.

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه ۱۸، یوئیل، بخش ۲ است.